

انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری

دکتر عباس زراعت (دانشیار گروه حقوق دانشگاه کاشان)

قسمت اول

چکیده:

عنصر معنوی هر جرمی معمولاً با انگیزه یا داعی شروع می‌شود و انگیزه که مجرم را وادار به ارتکاب جرم می‌کند اساساً تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد و به‌رغم مخالفت‌هایی که با این ادعا وجود دارد مشهور حقوق‌دانان آن را از مسلمات حقوق جزا می‌دانند؛ اما شناسایی خود انگیزه اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا ابهامات و برداشتهای متفاوتی که در مورد آن وجود دارد گاهی موجب به اشتباه افتادن نویسندگان حقوقی و به‌ویژه متصدیان امر قضا می‌شود؛ بنابراین، انجام تحقیقی در این خصوص بدون فایده نخواهد بود و بر همین اساس مقاله حاضر در نظر دارد پیرامون چند مطلب در مورد انگیزه به بحث پردازد، از جمله اینکه ماهیت انگیزه چیست؟ رابطه آن با سوء نیت خاص کدام است و چه شباهتها و تفاوت‌هایی با یگدیگر دارند؟ مکاتب کیفری چه دیدگاهی در مورد تأثیر انگیزه در مسئولیت کیفری دارند؟ انگیزه در حقوق کیفری ایران و قوانین موضوعه چه جایگاهی دارد؟ و چکیده سخن آن است که انگیزه با سوء نیت عام تفاوت دارد، اما با سوء نیت خاص رابطه عموم و خصوص مطلق دارد؛ یعنی سوء نیت خاص هم از مصادیق انگیزه است که قانونگذار آن را جزء ارکان جرم قرار داده‌است، اما انگیزه تا زمانی که چهره سوء نیت به خود نگرفته است در مسئولیت کیفری تأثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی: انگیزه، سوء نیت عام، سوء نیت خاص، مسئولیت کیفری، اضطرار، دفاع مشروع، عذر قانونی، تعلیق مجازات، تخفیف مجازات، جرم سیاسی.

مقدمه:

بنابرنظریه غالب، هر جرمی با جمع شدن سه عنصر یا رکن محقق می‌شود که در اصطلاح حقوق جزا از آنها با نام رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی یاد می‌شود و از ارکان عمومی هر جرمی به حساب می‌آیند، هر چند برخی از حقوق‌دانان، رکن چهارمی را نیز بر این ارکان افزوده و نام آن را عنصر نادرستی نامیده‌اند؛ یعنی مسلم باشد که این عمل فاقد جهات مشروعیت قانونی است.^(۱)

رکن قانونی یعنی اینکه قانونگذار آن فعل یا ترک فعل را جرم شناخته باشد. منظور از رکن مادی آن است که پیکره جرم با شرایط قانونی در خارج محقق گردد، و رکن معنوی بدان معناست که مرتکب

بداند عملی که انجام می‌دهد از نظر قانون، عملی ممنوع است و خواستار نتیجه مجرمانه عمل خود باشد. احراز عنصر قانونی و مادی جرم آسان‌تر از احراز عنصر معنوی می‌باشد؛ زیرا پیش‌بینی عناوین مجرمانه در قوانین موضوعه راه را بر تفسیرهای شخصی قضات و اختلاف ایشان در مورد تعیین مصادیق جرم می‌بندد همان‌گونه که نمی‌توان در مورد وقوع یا عدم وقوع عنصر مادی جرم تشکیک جدی کرد؛ زیرا وقتی متهم فعل یا ترک فعلی را انجام دهد که عنوان مجرمانه دارد معمولاً وی نمی‌تواند به این دفاع استناد کند که عمل او عنصر مادی جرم نیست. اما این مطلب را در مورد عنصر معنوی جرم نمی‌توان با چنین صراحت و قاطعیتی ادعا کرد؛ زیرا عنصر معنوی جرم که معمولاً همان سوء نیت یا قصد مجرمانه می‌باشد یک امر درونی است که باید در دادگاه احراز شود، و اصل هم بر آن است که سوء نیتی وجود ندارد مگر اینکه با دلیل یا امارات قوی ثابت شود. آنچه که گفته شد با موضوع بحث ما ارتباطی ندارد، بلکه هدف این قلم، بررسی ماهیت انگیزه و اقسام انگیزه و آثار آنها و رابطه میان انگیزه و سوء نیت می‌باشد و موضوعی که ضرورت انجام چنین تحقیقی را دو چندان می‌سازد تصور نادرستی است که از این دو پدیده در ذهن بسیاری از دادرسان نقش بسته است و در نتیجه، فراوان دیده می‌شود شخص بی‌گناهی که باید برائت حاصل کند، مجازات می‌شود و گناهکاری که مستحق مجازات است تبرئه می‌گردد. به‌عنوان نمونه، شهرداری محلی بدون رعایت مقررات قانونی مبادرت به تصرف ملک دیگری و تخریب ابنیه آن می‌نماید و مالک، شکایتی تحت عنوان تصرف عدوانی و تخریب علیه شهرداری مطرح می‌نماید؛ اما دادگاه با این استدلال که هدف شهرداری از این تصرف و تخریب، عمران و آبادی شهر بوده‌است و سوء نیتی احراز نمی‌شود تصمیم به برائت متهم می‌گیرد؛ یا اداره حفاظت محیط زیست شکایتی علیه یک شرکت تولیدی مبنی بر آلوده کردن هوا مطرح می‌نماید و دادگاه به رغم اینکه آلوده کردن هوا توسط متهم را احراز می‌نماید اما چنین استدلال می‌کند که مدیریت شرکت قصد مجرمانه و سوء نیتی برای آلوده کردن هوا نداشته‌است و در نتیجه تصمیم به برائت وی می‌گیرد و در این مورد بوضوح دیده می‌شود که میان سوء نیت و انگیزه خلط گردیده و دادگاه با احراز انگیزه شرافتمندانه بجای آنکه حکم به مجازات مخففه یا تعلیق یافته بدهد بکلی عنوان مجرمانه را منتفی می‌داند. مأمور شهرداری آگاه است که تصرف ملک دیگری بدون رعایت مقررات قانونی و جلب رضایت مالک، جرم است و خواستار نتیجه عمل خود نیز می‌باشد که همان تصرف عدوانی است، یا مدیران شرکت آلوده‌کننده هوا می‌دانند که آلوده کردن هوا، جرم است و خواهان نتیجه عمل خود نیز می‌باشند. بنابراین، چگونه

می‌توان گفت که چنین متهمانی فاقد سوء نیت کیفری هستند؟ آیا دادرس در این صورت استنباط صحیحی از معنای سوء نیت و انگیزه داشته است؟ در هر حال مرز میان سوء نیت و انگیزه، مرز ظریفی است که نیاز به تأمل و دقت نظر دارد. مثلاً ماده (۶۲۱) قانون مجازات اسلامی، ربودن و مخفی کردن دیگری را با هر انگیزه‌ای که صورت گیرد جرم دانسته است، حال اگر شخصی مورد تهدید دیگری قرار گیرد و شخص دیگری برای اینکه او را از خطر نجات دهد وی را بدون اجازه و رضایت او مخفی نماید، آیا عمل مرتکب که با انگیزه خیرخواهی و نجات جان یک انسان صورت گرفته است مشمول ماده (۶۲۱) خواهد بود؟ یا مثلاً ماده (۶۹۴) قانون مجازات اسلامی، ورود به عنف و تهدید به منزل دیگری را جرم دانسته است، حال اگر شخصی در منزل خود اقدام به خودکشی کند و شخص دیگری با عنف و تهدید برای نجات او و جلوگیری از خودکشی وی وارد منزلش شود، آیا به استناد این ماده قابل تعقیب خواهد بود؟ شخصی که اتومبیل دوستش در دست اوست با پیشنهاد فروش آن اتومبیل با بهایی گزاف مواجه می‌شود و برای رعایت صرفه و صلاح دوستش مبادرت به فروش اتومبیل وی می‌کند، اما مالک اتومبیل با این اقدام مخالفت کرده و اقدام به شکایت کیفری می‌کند، آیا این اقدام را می‌توان به‌عنوان انتقال مال غیر یا خیانت در امانت تعقیب کرد؟ یا شخصی به قصد کمک به فقرا اقدام به عملیات متقلبانه برای تحصیل مال می‌نماید، آیا عمل وی را می‌توان مصداق کلاهبرداری دانست؟ امید می‌رود نوشتار حاضر که به موضوع انگیزه و رابطه آن با سوء نیت اختصاص دارد بتواند در این زمینه مؤثر و مفید واقع شود.

تعریف

برای آشنایی با مفهوم «انگیزه» و رابطه آن با «سوء نیت» لازم است تعاریف این دو واژه و دیدگاه‌های حقوقی را در این خصوص بررسی کنیم.

در مورد سوء نیت یا قصد مجرمانه تعریف‌های گوناگون ارائه شده است، مانند «اراده معطوف به مقصودی که وصول به آن از طرف قانون جزا منع شده است.»^(۲) یا «علم عامل به ارتکاب عمل ناقض قانون جزا»^(۳) یا «خواستن و میل مرتکب در انجام یک عمل مجرمانه و خواستار شدن تحقق نتیجه آن»^(۴) یا «اراده رسیدن به نتیجه نامشروع»^(۵) یا «تمایل و علاقه به حصول نتیجه مجرمانه»^(۶) یا «اراده‌ای که عامداً به طرف منظوری متمایل می‌شود که از طرف قانون منع شده است.»^(۷) و...

همه این تعاریف و تعاریف دیگری که در مورد سوء نیت و قصد مجرمانه بیان شده است حکایت از یک معنا دارد و از مجموع آنها چنین استنباط می‌شود که سوء نیت یا قصد مجرمانه از دو جزء

معنوی تشکیل شده است: یکی علم مرتکب به اینکه فعل یا ترک فعل او مغایر با قانون جزاست و دیگر اینکه مرتکب، خواستار تحقق نتیجه مجرمانه باشد. بنابراین، تعریف «امیل گارسون» که فقط به یکی از دو جزء سوء نیت اشاره دارد تعریف کاملی نیست. علم به مجرمانه بودن عمل و خواستن نتیجه مجرمانه که اصطلاحاً عنصر معنوی نامیده می‌شود رکن اصلی تمامی جرایم است که به همراه دو رکن اصلی دیگر یعنی مادی و رکن قانونی، ماهیت یک جرم را تشکیل می‌دهند. البته باید دانست که جزء نخست عنصر معنوی، یعنی علم به مجرمانه بودن عمل نیاز به اثبات ندارد و حتی اثبات خلاف آن جز در موارد محدود و استثنایی تأثیری در مسئولیت کیفری نخواهد داشت؛ زیرا اماره قانونی انتشار قوانین در روزنامه رسمی که اماره‌ای مطلق می‌باشد فرض را بر آن می‌گذارد که همه مردم از قوانین کیفری و افعال یا ترک افعالی که در قوانین منع شده است آگاهی دارند؛ پس زمانی که شخصی مرتکب جرمی می‌شود، می‌داند که عمل او جرم است و آگاهانه قانون جزا را نقض می‌کند. بسیاری از تعاریفی که به آنها اشاره شد بر قصد رسیدن به نتیجه مجرمانه تأکید کرده‌اند و از ظاهر آنها چنین استنباط می‌شود که علم مرتکب به مجرمانه بودن عمل تأثیری در عنصر معنوی ندارد که البته با توصیفی که به عمل آمد این ادعا قابل دفاع است؛ زیرا اگر بنا باشد عمل و جهل مرتکب تأثیری نداشته باشد و همیشه فرض بر آن گذاشته شود که مرتکب، عالم به مجرمانه بودن عمل است پس شرط کردن چنین عنصر زایدی، کاری بس بیهوده خواهد بود. کسانی که جهل به قانون را رافع مسئولیت کیفری می‌دانند حق دارند که علم به مجرمانه بودن عمل را نیز جزو اساسی رکن معنوی جرم بدانند، به گونه‌ای که تا این علم احراز نشود مجازات متهم نیز غیرممکن باشد. اما قصد حصول نتیجه مجرمانه برای تحقق عنصر معنوی، لازم و ضروری است و همان‌گونه که گفته شد مشهور حقوق دانان میان سوء نیت و این قصد رابطه تساوی برقرار می‌سازند، یعنی سوء نیت را همان قصد رسیدن به نتیجه مجرمانه می‌دانند.

در خصوص انگیزه مجرمانه هم تعریفهای متعددی ارائه شده است، مانند «کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند»^(۸) یا «نفع یا احساس خاصی که مرتکب را به سوی ارتکاب جرم خاص سوق می‌دهد»^(۹) یا «مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب می‌شود»^(۱۰) یا «علت غایی یا هدف یا مقصد نهایی مورد نظر فاعل جرم»^(۱۱) یا «هدفی که در پشت عملی نهفته است»^(۱۲) و... انگیزه که با نامهای داعی، غرض، غایت، سبب و محرک نیز از آن یاد می‌شود، حالتی روانی و درونی است که قبل از اراده و قصد مجرمانه، محقق می‌شود؛ یعنی قبل از

اینکه مرتکب جرم قصد رسیدن به نتیجه جرم را بنماید هدفی از ارتکاب جرم در ذهن خود دارد که به این هدف، انگیزه یا داعی گفته می‌شود و می‌توان آن را پلان و نقشه ذهنی جرم دانست؛ مثلاً گناهکاری احتمال می‌دهد شخصی که شاهد عمل مجرمانه وی بوده‌است علیه وی شهادت بدهد، بنابراین با این هدف که دلیل جرم را از بین ببرد تصمیم به کشتن شاهد می‌گیرد. در اینجا هدف از بین بردن دلیل را که قبل از هرگونه اقدامی در ذهن مرتکب نقش بسته است انگیزه جرم قتل و قصد کشتن را سوء نیت گویند. همچنین هرگاه شخصی برای تأمین مخارج درمان فرزند خود تصمیم بگیرد دست به سرقت بزند در اینجا قصد تهیه پول برای تأمین هزینه درمان فرزند را انگیزه سرقت ربودن مال دیگری را سوء نیت این جرم می‌نامند. انگیزه در جرم نخست، انگیزه پست و در جرم دوم، انگیزه شرافتمندانه است که اولی ممکن است عامل تشدید مجازات و دومی عامل تخفیف مجازات قرار گیرد.

ملاحظه می‌شود که انگیزه و سوء نیت دو پدیده روانی متفاوت هستند که در طول یکدیگر قرار دارند؛ یعنی ابتدا انگیزه ارتکاب جرم در ذهن مجرم نقش می‌بندد و او برای اینکه به انگیزه خود جامه عمل بپوشاند قصد ارتکاب جرم می‌کند. بنابراین، سوء نیت در هر جرمی یک چیز بیشتر نیست، اما انگیزه آن ممکن است متفاوت باشد، همان‌گونه که مرتکبان آن جرم متفاوت هستند و حتی یک مرتکب ممکن است در دفعات مختلف انگیزه‌های مختلفی داشته‌باشد مثلاً استیلا نامشروع بر ملک دیگری که از سوی شهرداری و با انگیزه عمران شهر است و گاهی با انگیزه دارا شدن نامشروع از سوی افراد عادی است که با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما در هر دو مورد، یک سوء نیت و قصد مجرمانه بیشتر وجود ندارد که همان قصد تصرف ملک دیگری است.

مرحله شکل‌گیری انگیزه و قصد مجرمانه در ذهن مرتکب کاملاً متفاوت است و این دو در زمان مختلف پدید می‌آیند؛ اما سؤالی که در اینجا وجود دارد آن است که آیا عنصر روانی جرم از مجموعه این دو تشکیل می‌گردد یا فقط جزء دوم را شامل می‌شود؟ پاسخ این سؤال را به ادامه بحث موکول می‌کنیم.

تفاوت انگیزه و سوء نیت

از تعریفهایی که برای انگیزه و سوء نیت ارائه گردید می‌توان به تفاوتهایی که میان آن دو وجود دارد پی برد. برخی از حقوق دانان برای تبیین روشن‌تر این رابطه، انگیزه را با جهت، و قصد مجرمانه را با علت در عقود مقایسه کرده‌اند: «مفهوم قصد و عمد در حقوق جزا مشابه مفهوم علت در حقوق مدنی

است. علت در عقود نتیجه بلافاصله تعهد است. در عقود یکطرفه مثل قرض، علت پرداخت قرض تعهدی است که بدهکار برای مسترد داشتن مبلغ قرضه به عهده می‌گیرد و این نتیجه بلافاصله عقد است. در عقود دو جانبه علت تعهد هر یک از طرفین معامله، تعهدی است که طرف معامله به عهده می‌گیرد مثلاً تعهد فروشنده، تسلیم مبیع است و علت آنکه نتیجه بلافاصله عقد است تعهد خریدار بر تسلیم ثمن است. در حقوق جزا نیز قصد، متوجه نتیجه بلافاصله عمل مجرمانه است. نتایج بعدی و بعید، هرچند علت و غایت ارتکاب جرم است در حساب قصد مجرمانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مفهوم دایمی در حقوق جزا مشابه مفهوم جهت در حقوق مدنی است. جهت عقود، هدف نهایی متعاقبین از انعقاد آن است. مثلاً در عقد اجاره، جهت عبارت است از هدف و انگیزه انعقاد آن، قصد در حقوق جزا همواره یکسان است، علت در حقوق مدنی نیز لا یتغیر است. لکن دایمی در حقوق جزا همیشه به یک منوال نیست کما اینکه جهت معامله نیز در حقوق مدنی همواره به یک شکل نمی‌باشد.»^(۱۳) البته باید توجه داشت که جهت در قراردادها چنانچه نامشروع باشد موجب بطلان معامله می‌شود، اما جهت نامشروع تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد. جهت در قراردادها از این رو که نیاز به تصریح ندارد نیز شبیه جهت در جرم می‌باشد؛ زیرا در دادرسی جرم نیز دادگاه برای اینکه پی به سوء نیت مرتکب ببرد نیازی نیست که به دنبال احراز انگیزه مرتکب باشد. تفاوتی که میان جهت در قراردادها و جهت در حقوق جزا وجود دارد آن است که جهت نامشروع در هر قرار دادی برخلاف اصل می‌باشد. بنابراین باید از سوی قانونگذار نامشروع بودن آن به صراحت بیان شده باشد؛ مثلاً در منابع شرعی تصریح شده است که هرگاه فروش انگور برای تهیه شراب باشد آن معامله بخاطر انگیزه نامشروع باطل است. پس اصل بر آن است که هر انگیزه‌ای مشروع باشد، اما در حقوق جزا فرض بر آن گذاشته می‌شود که هر مجرمی با انگیزه نامشروع مرتکب جرم شده است.

مهم‌ترین تفاوت‌های میان انگیزه و سوء نیت را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- سوء نیت و قصد مجرمانه با جرم، رابطه بلافضلی دارند؛ اما انگیزه و جرم رابطه دور و باواسطه‌ای دارند؛ مثلاً در جرم قتل، عمل قتل بلافاصله پس از قصد قتل که همان قصد مجرمانه و سوء نیت است محقق می‌شود، اما هدف قتل که ممکن است حسادت یا انتقام یا انگیزه‌های دیگری باشد با عمل قتل رابطه مستقیم ندارند، به گونه‌ای که به محض حصول این انگیزه‌ها، عمل قتل نیز رخ دهد. به عبارت دیگر، عنصر مادی قتل بلافاصله پس از سوء نیت رخ می‌دهد، اما میان انگیزه قتل و عنصر مادی آن فاصله وجود دارد؛ زیرا حداقل میان انگیزه و جرم، قصد مجرمانه قرار می‌گیرد، هرچند این

فاصله از نظر زمانی کوتاه باشد مانند اینکه شخصی ناگهان نگاهش به کیف پر از پول دیگری می‌افتد و انگیزه مال‌دار شدن به ذهن او خطور می‌کند و قصد ربودن می‌کند و بی‌درنگ قصد خود را عملی می‌سازد. در اینجا تمامی این افعال معنوی و مادی ممکن است در چند دقیقه رخ دهد، اما در هر صورت قصد مجرمانه بعد از انگیزه پیدا می‌شود. البته باید توجه داشت که میان قصد مجرمانه و عنصر مادی جرم ملازمه وجود ندارد، به گونه‌ای که در هر موردی به محض قصد مجرمانه تحقق عنصر مادی نیز اجتناب پذیر باشد. پس منظور از بلافاصله بودن جرم پس از قصد مجرمانه آن است که در صورت ادامه یافتن قصد مجرمانه و عدم مانع، این قصد منتهی به عنصر مادی جرم می‌شود. همچنین ممکن است قصد مجرمانه در مجرم به وجود بیاید و برای مدت طولانی استمرار پیدا کند تا چهره عملی به خود بگیرد؛ پس آنچه مهم است وجود و بقای قصد مجرمانه در لحظه ارتکاب جرم است.

۲- اگر قصد مجرمانه وجود نداشته باشد جرم عمدی هم رخ نمی‌دهد؛ زیرا قصد مجرمانه رکن جرم است، اما فقدان انگیزه خاص خللی در تحقق جرم وارد نمی‌کند. البته معنای این سخن آن نیست که جرایم عمدی بدون انگیزه هم قابل تحقق هستند؛ زیرا هر مجرمی با انگیزه خاصی دست به ارتکاب جرم می‌زند. پس منظور آن است که انگیزه خارج از چارچوب ارکان جرم شکل می‌گیرد. اگر شخصی که دیگری را کشته است قصد قتل نداشته باشد مرتکب قتل عمد نشده است؛ اما اگر قصد کمک به او برای زودتر مردن را داشته باشد عمل او قتل عمد به حساب می‌آید، هرچند با اجازه و دستور مقتول این کار را کرده باشد.

۳- قصد مجرمانه در هر جرمی یک چیز بیشتر نیست و همه مجرمان همان قصد را دارند؛ اما برای ارتکاب یک جرم، انگیزه‌های مختلفی ممکن است وجود داشته باشد مثلاً در جرم قتل، همه قاتلان یک قصد بیشتر ندارند که همان قصد نقض قانون جزا و کشتن و خارج کردن روح از بدن دیگری است؛ اما انگیزه قتل ممکن است در یک مجرم، حسادت باشد، در یکی عشق باشد، در دیگری به دست آوردن مال باشد و...

۴- از آنجا که وجود یا فقدان قصد مجرمانه در تصمیم دادگاه تأثیر بنیادین دارد، بنابراین دادگاه باید آن را احراز نماید؛ اما احراز انگیزه، تکلیف دادگاه نیست مگر در موارد خاص که قانونگذار اهمیت خاصی را برای انگیزه در نظر گرفته باشد مثلاً در جرم سقط جنین انگیزه حفظ حیات مادر، تأثیر اساسی دارد، به گونه‌ای که اگر این انگیزه احراز شود، مرتکب برائت حاصل می‌کند؛ بر خلاف قتل

شخص بیمار که به فرض وجود انگیزه خیر خواهانه تأثیر در مسئولیت قاتل نخواهد داشت. البته خواهیم دید که در چنین مواردی انگیزه نیز از مصادیق سؤنیت محسوب می‌شود.

۵ - در جرایم صرفاً مادی نیازی به قصد مجرمانه نیست، اما انگیزه مجرمانه ممکن است وجود داشته باشد.

۶ - سؤنیت در هر جرمی یک چیز بیشتر نیست که همان اراده آگاهانه نقض قانون جزا می‌باشد؛ اما در یک جرم ممکن است چند انگیزه متفاوت وجود داشته باشد مثلاً در جرم سقط جنین.

۷ - سوءنیت در جرم سقط جنین عبارت است از نبود کردن عمدی جنین با علم به اینکه چنین عملی از نظر قانونی ممنوع است و این قصد در همه مصادیق سقط جنین وجود دارد؛ اما در این جرم ممکن است چند انگیزه وجود داشته باشد مثلاً به پزشکی پیشنهاد می‌شود که با گرفتن مبلغ گزافی مبادرت به سقط جنینی نماید که از راه نامشروع به وجود آمده‌است و برای حیات مادر نیز خطرناک می‌باشد و پزشک این پیشنهاد را می‌پذیرد و سه انگیزه در تصمیم او نقش داشته‌است: حفظ حیات مادر، به دست آوردن مبلغ زیادی پول و حفظ آبروی کسانی که مرتکب زنا شده‌اند. در اینجا انگیزه‌های مختلفی وجود دارد که برخی از آنها در سلب مسئولیت کیفری مؤثر هستند و برخی دیگر تأثیری ندارند و در نتیجه باید دید دادگاه به کدام یک از این انگیزه‌ها ترتیب اثر می‌دهد؟ در این مورد باید به انگیزه‌ای توجه داشت که بارزترین است و رابطه نزدیکتری با جرم دارد و از طرفی با توجه به قاعده تفسیر مضیق قانون به نفع متهم، انگیزه خیرخواهانه را که از نظر قانونگذار مؤثر در مسئولیت مرتکب است مورد توجه قرار داد و در نتیجه حکم به عدم مسئولیت مرتکب نمود.

۸ - سوءنیت و قصد مجرمانه همیشه مذموم و ناپسند است، اما انگیزه را به انگیزه مشروع و پسندیده و انگیزه نامشروع و ناپسند تقسیم می‌کنند. البته (جهت نامشروع) مصادیق احصا شده خاصی ندارد، بلکه به هرجهتی اطلاق می‌شود که بر خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی جامعه باشد.

شباهت انگیزه و سوءنیت

همان‌گونه که گفته شد، انگیزه و سوءنیت مرز ظریفی دارند، به گونه‌ای که در برخی موارد تفکیک آنها از یکدیگر با مشکل روبه‌رو می‌شود مثلاً هرگاه پزشکی دریابد که جنین از نظر جسمی و روانی، تبدیل به انسانی نگون بخت خواهد شد که جز سیه روزی و فلاکت هیچ سرنوشت دیگری در انتظار او نیست، و مبادرت به سقط آن نماید، آیا گناهکار است یا سزاوار تشویق می‌باشد؟ درست است که پزشک می‌داند عمل او از نظر قانونی ممنوع است و قانونگذار او را از این خیرخواهی باز داشته‌است،

اما هرگز در نظر او چنین عملی، خیانت به ممنوع و بر هم زدن نظم جامعه نیست، بلکه چنین تصور می‌کند که انسانی را از فلاکت نجات داده و به او خدمت بزرگی می‌کند. پس اگرچه عمل او از نظر قانون، عملی مجرمانه و ممنوع است، اما آیا وی چنین عمل مجرمانه‌ای را قصد کرده‌است؟ حقوق جزا پاسخ مثبت می‌دهد؛ زیرا صرف قصد رسیدن به عملی که منع قانونی دارد برای تحقق عنصر معنوی کفایت می‌کند و انگیزه مرتکب تأثیری ندارد، اما جرم‌شناسان ممکن است پاسخی متفاوت با پاسخ حقوق‌دانان بدهند؛ زیرا از دیدگاه ایشان باید به نتیجه عمل و انگیزه مرتکب توجه داشت. پس از آنجا که نتیجه چنین عملی هرگز فروپاشیدن نظم جامعه نیست. جامعه به چنین عضو فداکاری افتخار می‌کند و از نظر روانی و معنوی نیز هرگز این شخص، حالت خطرناک ندارد. بنابراین هر پدیده کیفری را باید جداگانه مورد بررسی قرارداد و نمی‌توان به صورت کلی حکم کرد که هر کس با علم به مجرمانه بودن عمل، حصول آن را قصد کند مجرم است و باید مجازات شود؛ در هر حال انگیزه و سوءنیت به رغم تفاوت‌هایی که دارند دارای شباهتهایی نیز هستند که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱- همان‌گونه که سوء نیت به تنهایی فرد را قابل تعقیب قرار نمی‌دهد، صرف انگیزه مجرمانه نیز جرم محسوب نمی‌شود، بلکه انگیزه باید صاحب خود را به حرکت واداشته و او را وادار به عمل نیز کرده باشد. البته اگر انگیزه مجرمانه منتهی به سوءنیت نشود قابل تعقیب نیست، هر چند اقدامات عملی هم صورت گرفته باشد مثلاً کسی که با انگیزه آتش زدن مال دیگری، بنزین تهیه می‌کند تا وقتی که مرتکب آتش زدن نشود، جرمی مرتکب نشده است و اگر کارهای انجام شده فی نفسه مجرم باشد، هدف مرتکب را نمی‌توان انگیزه محض دانست، بلکه نسبت به کارهایی که صورت گرفته است سوء نیت به حساب می‌آید مانند اینکه شخصی برای متهم کردن دیگری، تریاک بخرد و قبل از آنکه تریاک را در خودرو شخص مورد نظرش قرار دهد دستگیر شود. در اینجا هدف خریدن تریاک که جرم مستقلی است کفایت می‌کند و انگیزه متهم کردن دیگری، تأثیری در جرم خریدن تریاک ندارد؛ اما چون عنصر مادی متهم کردن دیگری محقق نشده‌است، بنابراین طبیعی است که مرتکب را از این جهت نمی‌توان مجازات کرد.

۲- انگیزه نیز همچون سوء نیت، عاملی معنوی است که در روان انسان نقش می‌بندد و معمولاً برای تکوین قصد مجرمانه ابتدا، انگیزه وداعی به وجود می‌آید؛ بدین صورت که ابتدا ارتکاب جرم به ذهن مرتکب خطور می‌کند و سپس به سنجش نفع و ضرر آن می‌پردازد و اگر نفع آن را برتر از زیانش

دید از مرحله تردید بیرون آمده و تصمیم جدی به ارتکاب جرم می‌گیرد که معمولاً مرحله اول، یعنی مرحله خطور ارتکاب جرم به ذهن و پدیدار شدن هدفی برای آن را انگیزه می‌نامند؛ زیرا در این مرحله است که هدف ارتکاب جرم، ذهن مرتکب را به خود مشغول می‌کند مانند اینکه به قصد دارا شدن و مال اندوزی به فکر سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت می‌افتد یا به قصد شهوت‌رانی تصمیم به تجاوز به عنف می‌گیرد یا به قصد انتقام، فکر قتل دیگری به ذهن او خطور می‌کند و ... مرحله آخر نیز که پس از یک دوره تفکر و سنجیدن سود و زیان محقق می‌شود و عنصر مادی جرم به تبع آن محقق می‌شود، سوء نیت یا قصد مجرمانه است.

۳- نحوه اثبات انگیزه و سوء نیت یکسان است؛ زیرا هر دو پدیده روانی و درونی هستند که اگر تصریح مرتکب وجود نداشته باشد به سراغ قرینه‌های جنبی و خارجی رفت. البته باید توجه داشت که اثبات سوء نیت در هر صورت ضروری است، اما اثبات انگیزه تنها در مواردی ضرورت دارد که در مسئولیت یا مجازات تأثیر داشته باشد مثلاً ماده (۶۲۱) قانون مجازات اسلامی تصریح دارد: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد...» پس هریک از این انگیزه‌ها که محرک مرتکب بوده‌باشد در تصمیم دادگاه تأثیری نخواهد داشت و در نتیجه لزومی ندارد که دادگاه به دنبال کشف انگیزه مرتکب باشد.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱- گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه دکتر سید ضیاءالدین نقابت، انتشارات مهر

آیین، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۰

۲- صدارت، علی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، کانون معرفت، ۱۳۴۰، ص ۲۲۲.

۳- همان، منقول از امیل گارسون.

۴- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۳۱۱.

۵- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۴۰.

۶- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات علمی، بی تا، ص ۲۷۰.

۷- استفانی، لواسور، بولوک، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه

طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۴

- ۸- محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۳.
- ۹- همان، منقول از دون دیو و وابر، رساله حقوق جنایی، ص. ۷۵.
- ۱۰- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۰.
- ۱۱- کی نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۸۰.

۱۲_ oxford –dictionary of law

۱۳- باهری، همان، ص ۲۱۶.